



3

Vol. 9
Autumn 2024

Research Paper

Received:
15 April 2024
Revised:
24 June 2024
Accepted:
05 October 2024
Published:
20 November 2024
P.P: 107-132ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 2783-1450

The cultural threat of the Islamic Republic of Iran in the process of international regimes (case study of Sanad 2030)

Seyed Mohamad Saleh Beheshtinejad*¹

Abstract

The 2030 document is trying to use the capacities of different countries for comprehensive development. There have been challenges in the nature of this document and it seems that contrary to the initial claims, this document, within the framework of its recommendations, imposes values for the purpose of globalization of nations. This research aims to examine the nature of the 2030 document and answer the question "What is the cultural threat of the Islamic Republic of Iran in the process of international regimes under the 2030 document?" to answer The approach of this research is qualitative and with the help of library studies, the statistical community is trying to investigate the articles, books and conversations related to the 2030 document and through qualitative content analysis, the nature of the 2030 document in a systematic way. explain The findings of the research show that the 2030 document, by going through the stages of "compilation of optional indicators", "formation of norms", "formation of optional institutions", "composition of legally binding rules and principles" and finally "formation of the regime between By using the three drivers of power, knowledge and interests and by activating governmental and non-governmental actors, the "international" has limited the cultural sovereignty of countries, especially the Islamic Republic of Iran, especially in the field of education, and under the pretext of the fourth goal of the sustainable development document, as The most important goal with the title "toward quality, equal and inclusive lifelong education and learning" with the help of four methods "direct education", "indirect education", "influence on domestic and local organizations and institutions" and "flow" social constructions", interfere with cultural policies.

Keywords: "Cultural Threat", "International Regimes", "2030 Document", "Governance", "Dominance System.

1. Scientific Position, PhD in Political Sociology, Islamic Revolution, Imam Hossein University, Tehran, Iran.
s.mohamad.beheshti@gmail.com

Cite this Paper: Beheshtinejad, M.S (2024). The cultural threat of the Islamic Republic of Iran in the process of international regimes (case study of Sanad 2030). *State Studies of Contemporary Iran*, 3(9), 107–132.

Publisher: Imam Hussein University



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).

تهدید فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در فرایند رژیم های بین الملل (مطالعه موردی سند ۲۰۳۰)

سید محمد صالح بهشتی نژاد^۱

چکیده

سند ۲۰۳۰، در تلاش است ظرفیت‌های کشورهای مختلف را جهت توسعه همه جانبه به کار گیرد. در ماهیت این سند چالش‌های وجود داشته و به نظر می‌رسد بر خلاف ادعاهای اولیه، این سند در چارچوب توصیه‌های خویش، به تحمیل ارزش‌هایی به منظور جهانی‌سازی ملت‌ها می‌پردازد. این پژوهش در صدد است ماهیت سند ۲۰۳۰ را مورد بررسی قرار داده و به سوال «تهدید فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در فرایند رژیم‌های بین‌الملل در ذیل سند ۲۰۳۰ چیست؟» پاسخ دهد. رویکرد این پژوهش کیفی بوده و به کمک مطالعات کتابخانه‌ای تلاش دارد جامعه آماری مقالات، کتاب‌ها و گفت‌وگوهای حیطه موضوع سند ۲۰۳۰ را مورد بررسی قرار دهد و از طریق تحلیل محتوای کیفی، ماهیت سند ۲۰۳۰ را به صورت نظام‌مند تبیین نماید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سند ۲۰۳۰، با گذراندن مراحل «تدوین شاخص‌های اختیاری»، «شکل دادن هنجارها»، «تشکیل نهادهای اختیاری»، «تدوین قواعد و اصول الزام آور قانونی» و در نهایت «تشکیل رژیم بین‌الملل» با بهره‌گیری از سه محرک قدرت، دانش و منافع و با فعال کردن بازیگران دولتی و غیر دولتی، حاکمیت فرهنگی کشورها خصوصاً جمهوری اسلامی ایران را به ویژه در حیطه آموزش محدود کند و به بهانه هدف چهارم سند توسعه پایدار، به عنوان مهمترین هدف با عنوان «به سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر با کیفیت، برابر و فراگیر» به کمک چهار شیوه «آموزش مستقیم»، «آموزش‌های غیر مستقیم»، «تاثیر بر سازمانها و نهادهای داخلی و بومی» و «جریان-سازی‌های اجتماعی»، بر سیاست‌گذاری‌های فرهنگی دخالت نماید.

کلیدواژه‌ها: «تهدید فرهنگی»، «رژیم‌های بین‌الملل»، «سند ۲۰۳۰»، «حکمرانی»، «نظام سلطه».

۳

دوره نهم
پاییز ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰

صص: ۱۳۲-۱۰۷

شاپا چاپی: ۱۹۱۴-۲۷۸۳

الکترونیکی: ۱۴۵۰-۲۷۸۳



۱. نویسنده مسئول: دکتری جامعه‌شناسی سیاسی گرایش انقلاب اسلامی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

s.mohamad.beheshti@gmail.com

استناد: بهشتی نژاد، سید محمد صالح (۱۴۰۳). تهدید فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در فرایند رژیم های بین-الملل (مطالعه

موردی سند ۲۰۳۰)، **دولت پژوهی ایران معاصر**، ۳(۹)، ۱۳۲-۱۰۷.

DOR: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27831914.1403.10.3.5.6>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) نویسندهگان



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

سند «دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار»^۱، و یا به اصطلاح سند ۲۰۳۰، سندی با ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه است که در سال ۲۰۱۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. این سند ادعا داشت نقشه راه پانزده ساله جامعه بین‌الملل را در زمینه توسعه پایدار ترسیم نموده است. فلذا در این راستا کشورها را موظف نمود تا اسناد پایین دستی را جهت اجرایی کردن این اهداف تدوین نمایند. در کشور ما نیز این اقدام صورت گرفت و باعث شد مقام معظم رهبری پس از تبدیل شدن این سند کلان، به سند جزئی‌تر چارچوب اقدام ملی برای اجرای سند ۲۰۳۰ در کشور، نسبت به امضا کنندگان آن معترض شوند. در این اثناء با جنجال‌هایی که در مخالفت با اجرایی شدن آن صورت گرفت، رئیس دولت وقت به صراحت مخالفت خود را با سند ۲۰۳۰ اعلام کرد و اجرای آن سند را از دستور کار دولت خارج نمود. سابقه چنین تلاشی را باید در سند توسعه هزاره^۲ جستجو کرد؛ در آن سند نیز در حوزه‌های اصلی شیوه حکمرانی، بهداشت، آموزش، زیرساخت‌ها و ... شاخص‌ها و هنجارهایی تدوین شده بود و کشورها به شکلی اختیاری اما در بستری اجباری ملزم به اجرای آن شده بودند به طوری که با اجرانکردن آن و عدم پایبندی به شاخص‌های حاصل از اهداف مذکور و یا عدم تحقق آن اهداف، برهم‌زننده نظم جهانی معرفی شده و در رده‌بندی‌های جهانی، در سطوح کشورهای توسعه‌نیافته قرار می‌گرفتند.

اما به واقع، این سند چه ماهیتی دارد، آیا اجباری است و یا کشورها در دو سطح پذیرش و سپس اجرای آن مختار هستند؟ ثانیاً ماهیت این سند چیست و آیا کشورهای غربی مطابق ادعای خویش روند مرکز - پیرامونی خود را رها کرده و به دنبال توسعه همه‌جانبه سایر کشورها هستند و یا همچنان همان روند پیشین را ادامه داده و برای تداوم حیات خویش روش‌های نوینی را اتخاذ نموده‌اند؟ و ثالثاً این سند در چه حوزه‌ای از سطوح اندیشه‌ورزی سیاست بین‌الملل، قابل تحلیل است؟

1 Transforming our world: the 2030 Agenda for Sustainable Development

2 MDGs

به نظر می‌رسد با بررسی روند انطباق سند ۲۰۳۰ بر کشورها، می‌توان به چگونگی تحمیل چارچوب‌های توسعه و نیز به شناسایی ترندهای نهادهای بین‌المللی پرداخت. مسلماً بی‌توجهی به مسئله فوق‌کشور را در مسیری پر ابهام قرار داده و در دو گانه استقلال یا توسعه، وابستگی را بر کشور تحمیل می‌نماید. پس ضروری است به صورت دقیق پیشینه، اهداف و چارچوب این سند، قرار گیرد. چرا که ممکن است در صورت ساده‌انگاری در مواجهه با آن، گذشته تکرار شود و در آینده مطابق تجربه‌های پیشین با اجرای اسناد توسعه پیشنهادی سازمان‌های بین‌المللی، جامعه ایرانی دچار بهم‌ریختگی‌های سترگی در نظم اجتماعی گردد.

پس بدین ترتیب سوال اصلی و سؤالات فرعی پژوهش به شرح ذیل خواهد بود:

سوال اصلی:

تهدید فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در فرایند رژیم‌های بین‌الملل در ذیل سند ۲۰۳۰ چیست؟

سؤالات فرعی:

ماهیت این سند چیست؟

نسبت سند ۲۰۳۰ با سندهای پیشین توسعه چیست؟

ابزار سازمان‌های بین‌المللی برای توسعه اختیارات خود و سوق دادن کشورها به سوی ارزش‌های توسعه چگونه است؟

پژوهش اخیر به دنبال آن است یکی از مهم‌ترین مباحثی که در حیطه موضوعات سند توسعه پایدار قابل طرح می‌باشد و تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است؛ یعنی جایگاه این سند در روند فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی نظام بین‌الملل در ذیل توسعه و حیطه اختیارات این سند در کنار اختیارات حاکمیت‌های دولت‌های مستقل را بررسی نماید و در این بستر به سؤالات فوق نیز پاسخ دهد. البته این موضوع در علم روابط بین‌الملل سال‌هاست مورد بحث بوده خصوصاً پس از جدی شدن موضوع توسعه و نیز شکل‌گیری رژیم‌های بین‌الملل که هویت فراملی داشته و تلاش دارد مبتنی بر اصولی، اهداف توسعه را فراتر از مرزهای ملی محقق سازد. پس به‌طور کلی سوال پژوهش عبارت است از: سند ۲۰۳۰ در فرآیند تثبیت رژیم‌های بین‌الملل چگونه حکمرانی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تهدید نموده و سبب می‌شود به استقلال کشور خدشه وارد شود؟

مبانی نظری پژوهش

سند ۲۰۳۰، با مصوبه سازمان ملل در حیطه وظایف سازمان یونسکو قرار گرفته و چنان که این سند در متن خود بیان می‌کند در ادامه رهیافت‌های توسعه قرار دارد. در این راستا برای فهم صحیح از اختیارات، وظایف، جایگاه و آینده این سند، ضروری است مبدأ نظری توسعه و سپس رژیم‌های بین‌الملل به عنوان ابزاری برای تثبیت راهبردهای توسعه در کشورهای در حال توسعه، بازخوانی شود. اما به طور خلاصه می‌توان گفت سند ۲۰۳۰، تلفیق رهیافت‌های متأخر جهانی‌سازی و فرهنگی بوده و البته این تلفیق به کمک اهرم رژیم‌های بین‌الملل در حال تحقق است.

توسعه

مطابق نظریات توسعه در رهیافت جهانی‌سازی، نظام بین‌الملل به دنبال تحقق روندهای جهانی فارغ از دولت‌هاست. در این رهیافت، نگرش «دولت‌محور» برخلاف رهیافت‌های پیشین نوسازی و وابستگی، تا حدود زیادی دستخوش ضعف و زوال می‌شود؛ آن‌چنان که این رهیافت معتقد است فرآیند جهانی‌شدن موجب تضعیف و شاید در پاره‌ای موارد نابودی تمایز بین حوزه‌های سیاست «داخلی» و «خارجی» شده و نقش‌ها و برخی کارویژه‌های دولت‌ها به واحدهای ملی، گروه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی منتقل می‌شود (وود، ۱۳۹۳: ۱۲۵). فرآیند جهانی‌شدن مهم‌ترین تهدیدی است که تاکنون علیه مفهوم دولت یا حداقل دولت ملی صورت گرفته است: چرا که در عرصه اقتصاد ظرفیت و توانایی دولت‌های منفرد برای اداره امور زندگی اقتصادی و ایجاد پیشرفت و رونق عمومی را کاهش می‌دهد، همچنین دولت‌ها امکان مهار و کنترل شرکت‌های چندملیتی را از دست می‌دهند، به طوری که شرکت‌های مذکور به راحتی می‌توانند در فرآیند تولید و سرمایه‌گذاری در راستای منافع خود مداخله و تصمیم‌گیری کنند. (نوذری، ۱۳۸۸: ۲۹۱-۳۱۲)

در رهیافت جهانی‌سازی جوامع در سه نوع جامعه **مرکزی**، **پیرامونی** یا **حاشیه‌ای**، **جوامع نیمه پیرامونی** یا **نیمه حاشیه‌ای** تقسیم‌بندی می‌شوند و «تقسیم کار در نظام جهانی در نظام‌های فرهنگی متعدد صورت می‌گیرد.» (ساعی، ۱۳۸۴: ۱۹۲) و نظام اجتماعی جهانی شده مرزها، ساختارها، گروه‌های عضو، قواعد مشروعیت و پیوستگی‌های پیشین را درنوردیده و نظامی جدید می‌بخشد. (ساعی، ۱۳۸۸: ۶).

رهیافت جهانی سازی، نسخه‌ای واحد برای تحول و آینده کشورهای پیرامونی و نیمه پیرامونی تجویز می‌کند و همین موضوع سبب ناکارآمدی نسخه‌های تجویزی شد در حالی که تبیین فضای کشورها و تصمیم برای تحرک آن‌ها در یک نظریه‌ای مبتنی بر دو قطب متعارض قابل فهم نمی‌باشد؛ بلکه کشورها در یک نظام پیچیده‌ای از مفاهیم قرار گرفته و برای بررسی کشورها به عرصه‌های فرهنگی خصوصاً عرصه‌های تمدنی باید توجه ویژه داشته باشند. در این شرایط رهیافت جدید فرهنگی شکل گرفت که معتقد بود کشورها در عین حالی که باید چارچوب توسعه را دنبال کنند؛ اما در این روند نیازمند حفظ برخی ویژگی‌ها در موقعیت جغرافیایی هستند پس ضروری است روند توسعه در چارچوب‌های متمایز صورت گیرد (جعفری، ۱۳۸۸: ۹۷). در این راستا، بازیگران جدیدی با عنوان رژیم‌های بین المللی خلق شدند که با وجود پیروی از اهداف توسعه در عین حال معتقد به تدوین راهکارهای متنوع بودند.

اصول کلی هر یک از رهیافت‌های جهانی سازی و رهیافت فرهنگی به شرح ذیل می‌باشد.

جدول ۱. رهیافت‌های متأخر توسعه

اصول کلی	
غلبه تئوری عمومی سیستم‌ها؛	رهیافت جهانی سازی
نفی یتیش ارویامجوری؛	
تأکید بر بررسی تاریخی با دید بک سیستم جهانی؛	
وابستگی همه کشورها و بوم‌زیست‌های ملی به یکدیگر	رهیافت فرهنگی گرا
میسور نبودن مطالعه «توسعه» فارغ از زمینه جهانی آن و بدون توجه به دامنه گسترده و طبقات مختلف شبکه‌های ارتباطی مرکز با مرکز، مرکز با پیرامون و پیرامون با مرکز	
توجه به وجوه نرم‌افزاری توسعه و زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هر جامعه امری	
تعقیب مدل جهانی و استاندارد برای توسعه امری موهوم و آرمانی دست‌نیافتنی	

منبع: نویسنده

رژیم‌های بین المللی

رژیم^۱ واژه فرانسوی بوده و به شکلی از حکومت یا مجموعه‌ای از قوانین و هنجارهای اجتماعی گفته می‌شود که کارکرد حکومتی دارند و در اصطلاح به معنای اندیشه هدایت و شیوه رهبری

1 régime

بوده که به پیاده‌سازی عملی و تاریخی یک نظام می‌پردازد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۶۷۴). رژیم‌های بین‌المللی^۱ نهادهای اجتماعی هستند که بر رفتار دولت‌ها و رعایا تأثیر می‌گذارند. آنها از اصول و هنجارهای غیررسمی و رسمی و همچنین قوانین و رویه‌های خاص تشکیل شده‌اند. (لوی و یانگ، ۱۹۹۶: ۱) و بر اساس میزان استقلال عملشان در روابط بین‌الملل و بر اساس انجام وظایف محوله مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. (جلالیان و علیزاده، ۱۴۰۰: ۲۲۲) رژیم‌های بین‌الملل شیوه‌های اجتماعی برای هدایت تعاملات میان اعضای جامعه بین‌المللی (دولت‌ها) در حوزه‌های موضوعی مختلف هستند (لوی و یانگ، ۱۹۹۶: ۲۸۰) که بر پیوندهای چانه‌زنی بین دولت‌ها و چانه‌زنی در داخل دولت‌ها بر مواضع اتخاذ شده در سطح بین‌المللی تأکید می‌کنند (پوتنام و ایوانتس، ۱۹۹۳) و باعث می‌شوند دولت‌های شرکت‌کننده که ریشه‌های فرهنگی و نهادی متفاوتی دارند در کنار یکدیگر قرار گیرند.

در مطالعات حوزه رژیم‌های بین‌الملل سه دیدگاه متمایز درباره پدیدارشدن این نهاد وجود دارد: خودسازی^۲ (از طریق فرآیندهای همگرایی)، مذاکره^۳ (از یک فرآیند آگاهانه چانه‌زنی) و تحمیل^۴ (به کمک محرک‌های اصلی قدرت ساختاری و نخبگان حاکم) (یانگ، ۱۹۸۳ و کیوان حسینی، ۱۳۷۸: ۱۴۰). در مطالعات این حوزه، دو عنصر اساسی برای مفهوم رژیم بین‌الملل در نظر گرفته می‌شود؛ نخست، رژیم‌ها به‌عنوان نهادهای اجتماعی به معنای مجموعه‌ای از قواعد، نقش‌ها و روابط پایدار بوده و ثانیاً رژیم‌ها در مقابل ساختار نهادی گسترده‌تر یا عمیق‌تر جامعه بین‌المللی، به‌عنوان یک کل، در حیطه موضوعی خاص تری قرار می‌گیرد. (یانگ و زورن و لوی، ۱۹۹۶: ۲۷۱).

رژیم‌های بین‌الملل نخستین، بیشتر توسط دولت‌ها شکل می‌گرفته‌اند؛ اما به مرور زمان و به طور فزاینده‌ای، بازیگران دولتی نقش کمتری یافته و بازیگران غیردولتی نقش پررنگ‌تری پیدا کرده‌اند؛ آن‌چنان که این بازیگران در چارچوب‌بندی موضوعات، گنجاندن این موضوعات در دستور

1 INTERNATIONAL REGIMES

2 self-generation

3 negotiation

4 imposition

کار بین‌المللی، سوق دادن افکار عمومی به سمت این موضوعات و سپس ترغیب دولت‌ها به این موضوعات اهمیت بسیار زیادی یافته‌اند. (یانگ و زورن و لوی، ۱۹۹۶: ۲۸۰).

از منظر مکتب واقع‌گرایی رژیم‌های بین‌الملل دارای موجودیت مستقلی نبوده و تحت تأثیر خواست بازیگران نظام بین‌الملل شکل گرفته و ادامه حیات می‌دهند؛ به طوری که از نظر واقع‌گرایان سنتی و ساختارگرا، رژیم‌های بین‌الملل ابزاری برای تحقق اهداف بازیگران قدرتمند بین‌المللی بوده که از طریق این رژیم‌ها قواعدی را ایجاد می‌کنند و یا با دخالت فعالانه، قواعدی را که برایشان مناسب نیست تغییر می‌دهند. آن‌چنان که اندیشمندان این مکتب بیان می‌کنند بخش اصلی رژیم‌های بین‌المللی کنونی تحت قدرت ایالات متحده آمریکا شکل گرفته و تداوم یافته‌اند (عسگرخانی، ۱۳۸۱: ۱۹۶-۱۹۴).

برای مفهوم رژیم‌های بین‌الملل تاکنون تعاریف متعددی ارائه شده است؛ از جمله کامل‌ترین تعاریف، تعریفی است که کرسنر در اختیار می‌دهد. او رژیم‌های بین‌الملل را این‌گونه تعریف می‌نماید: مجموعه‌ای از **اصول، قواعد صریح یا تلویحی، هنجارها و رویه‌های تصمیم‌گیری** می‌باشند که به واسطه آن‌ها توقعات بازیگران پیرامون موضوعات خاص با هم تلاقی نموده و خواسته‌های بازیگران برآورده می‌شوند. در این تعریف اصول در رابطه با اهداف بازیگران می‌باشند. قواعد تنظیم‌کننده، رابطه اهداف، و رفتار یعنی اصول و هنجارها بوده و هنجارها در رابطه با رفتار بازیگران صورت می‌گیرد. رویه‌های تصمیم‌گیری فرآیندهایی هستند که به موجب آن بازیگران تصمیمات خود را اتخاذ می‌نمایند. بازیگران عمدتاً دولت‌ها می‌باشند؛ اما شرکت‌ها، سازمان‌ها و افراد نیز می‌توانند ایفای نقش نمایند. (عسگرخانی، ۱۳۸۱: ۱۸۱).

از دیدگاه پاچالا و هاپ‌کین به عنوان مهم‌ترین نظریه پردازان نظریه رژیم‌های بین‌الملل (سیف‌زاده، ۱۳۷۶: ۶۴۱)، رژیم‌های بین‌الملل دارای ویژگی‌های ذیل می‌باشند:

جدول ۲. ویژگی‌های رژیم‌های بین‌الملل

ویژگی	توضیح مختصر
وجود ذهنی بودن رژیم‌ها	در ذهن و نگاه معتقدین به یک رژیم رفتاری، نوعی انتظار و اعتقاد نسبت به یک رفتار قانونمند و یا اخلاقی شکل می‌گیرد. تعهد به این اصول موجب تحقق یک رژیم خاص می‌شود.
تأثیرگذاری بر رفتار در دو وجه شکلی و ماهوی	هنجارها و آیینهای رفتاری تعیین می‌کنند که چه کسانی در رژیم عضویت داشته باشند، چه موضوعاتی از ارجحیت برخوردارند و در نهایت، چه قواعدی به خدمت حفظ و یا تغییر رویه‌ها می‌آیند.
حاجی قواعد خاص بقا و دگرگونی خویش	به یاری این قواعد، می‌توان پایداری و یا تحول هر رژیم را پیش‌بینی کرد.
دولتهای ملی	در صحنه بین‌الملل دولتهای ملی به منزله اعضای رسمی درجه اول رژیم‌ها در می‌آیند.
دارای اشکال مختلف	در طیفی از ویژگی‌ها در چهار عرصه ذیل: ۱. دارا بودن مسأله‌ای واحد یا مسائل متنوع رژیم‌ها ۲. رسمی و یا غیر رسمی بودن رژیم‌ها ۳. رشد یکتوانی و یا تغییرات انقلابی رژیم‌ها ۴. رفتار جایدارانه (Donald and Hopkin, 1982: 64-66)

منبع: نویسنده

فرآیند تشکیل رژیم‌های بین‌الملل شامل سه مرحله است: تشکیل دستور کار^۱، انتخاب نهادی^۲ و عملیاتی‌سازی^۳. مرحله «شکل‌گیری دستور کار» شامل ظهور یک موضوع در دستور کار سیاسی، چارچوب‌بندی موضوع برای بررسی در مجامع بین‌المللی و ارتقای موضوع به جایگاه کافی در دستور کار بین‌المللی برای اولویت اقدام است (استین، ۱۹۸۹: ۹). «انتخاب نهادی» یک موضوع را از نقطه‌ای که به‌عنوان اولویت در دستور کار بین‌المللی تبدیل شده تا نقطه توافق بر سر مفاد یک رژیم خاص قرار داده و «عملیاتی‌سازی» تمام آن فعالیت‌هایی را که برای تبدیل یک توافق روی کاغذ به یک عمل اجتماعی کارآمد مورد نیاز است، پوشش می‌دهد (جاکوبسون و ویس، ۱۹۹۰: ۱۶). در جامعه بین‌الملل، مرحله عملیاتی‌سازی اغلب شامل تلاش‌هایی از سوی کشورهای عضو برای اعمال قوانین یک رژیم بر روی بازیگران مختلف غیردولتی است که این موضوع مرتبط با آنها هستند. همچنین ممکن است تلاش‌هایی را از سوی کسانی تحریک کند که انتظار دارند

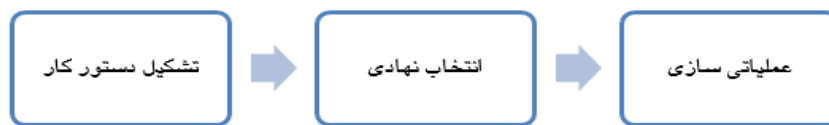
1 agenda formation

2 institutional choice

3 operationalization

منافع آنها تحت تأثیر عملکرد رژیم برای بازتعریف برخی از مفاد آن قرار گیرد. در برخی موارد، عملیاتی سازی مستلزم راه اندازی سازمان های بین المللی است تا مسئولیت هایی از قبیل بازنگری در اجرا، تصمیم گیری دوره ای در مورد عملکرد رژیم و رسیدگی به امور مالی را بر عهده بگیرند. (یانگ، زورن و لوی، همان: ۲۸۲).

شکل ۱. فرآیند تشکیل رژیم های بین الملل



منبع: نویسنده

سه دسته از عوامل به عنوان نیروهای اجتماعی محرک تشکیل دهنده رژیم ظاهر شده اند: قدرت، دانش و منافع. واقع گرایان و بسیاری از نئورئالیست ها، توافق هایی را که شرایط رژیم های بین المللی را بیان می کنند، بازتابی از توزیع قدرت به معنای مادی می دانند (استرانگ، ۱۹۸۳: ۵۴-۳۳۷)؛ بنابراین می توان انتظار داشت که رژیم ها هر از چند گاهی در پی تغییر در توزیع قدرت ساختاری در جامعه بین المللی تغییر کنند. کسانی که بر نقش ایده ها تأکید می کنند، اغلب دانش را شکلی از قدرت می دانند که از قدرت ساختاری متمایز است. آنها بر نقش دانش توافقی و یادگیری اجتماعی در فرآیندهای ایجاد رژیم های بین المللی تأکید می کنند (هاس، ۱۹۹۰). در مواردی، ترتیبات نهادی ممکن است تجلی هژمونی به معنای گرامشی یا ایده آمیز باشد (کاکس، ۱۹۸۳: ۸۰). تحلیلگرانی که بر نقش منافع تأکید می کنند، به تصمیم گیری تعاملی و جستجوی راه حل هایی برای مشکلات کنش جمعی به عنوان نیروی محرک زیربنای تشکیل رژیم نگاه می کنند (یانگ، ۱۹۸۹ | و زورن، ۱۹۹۲: ۱۰۲).

با در نظر گرفتن سند توسعه پایدار (سند ۲۰۳۰) به عنوان مفهومی در ذیل رژیم های بین الملل می توان گفت سند توسعه پایدار حرکت بی مقدمه و فاقد نظریه نیست بلکه بنا به گفته بنیان گذاران آن، در ذیل توسعه و در چارچوب کارویژه رژیم بین الملل قرار داشته و به دنبال تحقق اهداف بین الملل برای شکل دادن حرکت بلند مدت جهانی سازی است. چرا که مطابق با تعاریف این مفهوم، استقرار رژیم های بین الملل، اقدامی متناسب با اصول نرم همکاری و فعالیت قانونمند بین-

الملل در سه مرحله تشکیل دستور کار، انتخاب نهادی و عملیاتی سازی است و تنها در فضای قرن جاری است که می توان رژیم های بین المللی را به عنوان پدیده ای در حال جهانی شدن مشاهده کرد که به مرور شخصیتی مستقل از دولت ها به خود گرفته اند و همراه با دولت ها، در مجموعه ای به هم پیچیده از مؤسسات و قوانین مختلف می تواند روابط بین کشورها را در سراسر جهان تنظیم و طراحی کنند و اطلاعات لازم برای ایجاد همکاری در سطح جهانی را در اختیار دولت ها قرار دهند. (عسگرخانی، ۱۳۸۳: ۷۶) و در حقیقت به مثابه تسهیلات بین المللی تسریع کننده فرآیند جهانی شدن در زمینه های اقتصادی، امنیتی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی، اطلاع رسانی ارتباطات و ... می باشد. آنچنان که محققان پذیرفته اند جهانی شدن در غیاب رژیم های بین المللی امکان پذیر نیست (همان: ۲۰۸).

پیشینه پژوهش

جدول ۳. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده / نویسندگان	عنوان پژوهش	روش شناسی پژوهش	مهم ترین یافته ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	محمد فولادی (تایستان ۱۳۹۶)	«بررسی انتقادی سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ یونسکو: آثار و پیامدها»	کیفی	تعارض سند ۲۰۳۰ با مفاهیم و ارزش های دینی
۲	انورید الهی، محمد حسین زارعی و اسداله یآوری (بهار ۱۳۹۸)	«بررسی تطبیقی رویکرد سند ۲۰۲۲ و سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش ایران به عدالت آموزشی جنبشی»	کیفی	توجه به اشتراکات و افتراقات سند ۲۰۳۰ یا سند تحول بنیادین آموزش و پرورش خصوصاً حوزه عدالت آموزشی و آموزش جنبشی
۳	گروه توسعه نظری و مطالعات بنیادین مرکز پژوهش های مجلس (۱۳۹۹)	«ابعاد پنهان و محورهای سند ۲۰۳۰»	کیفی	پرداختن به کلیات سند ۲۰۳۰
۴	مقاله افشار و موحدی نیا (بهار و تابستان ۱۴۰۰)	«بررسی تعارض سند ۲۰۳۰ در مواجهه با حدیث علوی»	کیفی	بررسی معارضه سند ۲۰۳۰ از منظر فقهی

منبع: نویسنده

مطابق پژوهش های فوق تاکنون سند ۲۰۳۰ از منظرهای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است اما می توان در بررسی سند ۲۰۳۰ از سطوح ذکر شده پا را فراتر نهاد و مبتنی بر سیاست های نانوشته

سند و روند تاریخی هنجارسازی سازمان‌های بین‌الملل و بررسی توسعه اختیارات این سازمان، به بررسی سند توسعه پایدار یا سند ۲۰۳۰ پرداخت.

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد این پژوهش، کیفی بوده و با کمک استقراء به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته به گونه‌ای که با مطالعات کتابخانه‌ای تلاش دارد مقالات، کتاب‌ها، گفت‌وگوهایی که در حیطه موضوع سند ۲۰۳۰ انجام گرفته است را مورد مطالعه قرار دهد و پس از اشباع نظری در مطالعات انجام شده، به کمک تحلیل محتوای کیفی به صورت بندی موضوع و پاسخ به مسائل پردازد. البته پیش از ارائه مدل در این راستا، به روند تحقق تاریخی این سند مطابق با چارچوب نظری رژیم‌های بین‌الملل می‌پردازد. تحلیل محتوای کیفی یکی از روش‌های تحقیق است که برای تحلیل داده‌های متنی کاربرد فراوانی دارد. این روش برای تمرکز بر مشخصات زبان به منزله وسیله ارتباطی برای به دست آوردن معنا و محتوای متن استفاده می‌شود. این داده‌ها می‌توانند به صورت شفاهی، متنی، یا اصل پاسخ‌های شفاهی، پرسش‌های باز یا بسته، مصاحبه‌ها، گروه‌های متمرکز، مشاهدات یا رسانه‌های چاپی (مقالات و کتب) باشد (کوندارک و ولمن، ۲۰۰۲: ۲۲۳-۲۲۴). تحلیل محتوای کیفی به محققان اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به شکلی ذهنی، ولی با روشی علمی تفسیر نمایند. عینیت نتایج با فرایند کدبندی نظام‌مندی تضمین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهای آشکار یا پنهان را به صورت محتوایی آشکار برای فراهم آوردن شناخت، بینش و تصویری نو از واقعیت می‌آزماید (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۱۸ و کریندورف، ۱۳۷۸: ۲۵). براین اساس جهت پاسخ به سوال تحقیق به روش تحلیل محتوای کیفی ابتدا مسائل پژوهش تدقیق شده، آنگاه به کمک کلیدواژه‌هایی که در ارتباط با مسئله وجود داشت داده‌های متناسب کشف می‌شود و آنگاه متون به دست آمده مورد مطالعه قرار می‌گیرد و با جمع‌آوری گزاره‌های مرتبط، و سپس با کدگذاری آن گزاره‌ها و در نهایت با صورت‌بندی داده‌های به دست آمده، مسائل پاسخ داده می‌شود.

یافته‌های پژوهش

مهم‌ترین برنامه‌های اصلی سند ۲۰۳۰، پایان دادن به گرسنگی، آموزش با کیفیت، برابری جنسیتی، پایان دادن به فقر، کاهش نابرابری، دسترسی به انرژی پاک، رشد اقتصادی پایدار، داشتن شهرهای پایدار و تاب آور، در دسترس بودن آب آشامیدنی سالم و فاضلاب، اقدام برای مقابله با تغییر اقلیم، الگوی تولید پایدار، ارتقا اکو سیستم، استفاده پایدار از اقیانوس و دریا و جامعه پایدار و صلح آمیز است. (یونسکو، ۲۰۱۵: ۳۰)

پیش‌ازاین در سال ۲۰۰۰ سازمان ملل جهت تحقق هدف فوق، توسعه پایدار، به تدوین سندی ۱۵ ساله اقدام نمود و توانست با همسو کردن کشورها تا حدی اهداف سند مزبور را محقق سازد. این اهداف که در راستای کم‌رنگ نمودن نظام سیاسی کشورها و تحقق جهانی سازی صورت گرفته بود باعث شد تا نهادهای زیرمجموعه سازمان‌های بین‌المللی هر چه بیشتر در حوزه حکمرانی کشورها نفوذ کرده و با غلبه بر اقتدار کشورها، امنیت در مفهوم بین‌الملل را بر اذهان توسعه دهند. این سند شباهت بسیاری با سند ۲۰۳۰ داشته و در حقیقت می‌توان سند ۲۰۱۵ را پیشینه سند ۲۰۳۰ دانست؛ سند ۲۰۱۵ که سند توسعه هزاره نام گرفت در بزرگترین گردهمایی سران دولت‌ها در سپتامبر سال ۲۰۰۰ در مقر سازمان ملل متحد، در نیویورک به تصویب کلیه کشورهای جهان از جمله ایران رسید و شامل ۸ هدف کلی (آرمان) بود که بر اساس تفاهمات انجام شده ۴۸ شاخص و ۱۷ هدف جزئی را در برمی‌گرفت و کشورهای امضاء کننده این سند، طی یک دوره ۲۵ ساله یعنی از سال ۱۹۹۰ (به عنوان سال پایه) تا سال ۲۰۱۵ موظف شدند آن را تحقق بخشند. این اهداف کشورها را مکلف نمود تا فعالیتهای خود را در زمینه مبارزه با فقر و فراگیری گرسنگی، نابرابری جنسیتی، تخریب محیط زیست، ارتقای آموزش و باسوادی، تأمین مراقبت‌های بهداشت و آب سالم و بهداشتی متمرکز نمایند. از بین ۸ آرمان مزبور مسئولیت مقدماتی برای دستیابی به ۷ آرمان توسعه هزاره با خود کشورهای در حال توسعه و فقیر بود و آرمان هشتم کشورهای توسعه یافته و ثروتمند را موظف نموده بود تا به کشورهای در حال توسعه و فقیر برای پیشبرد این اهداف بصورت بلاعوض کمک نمایند. (منزوی، ۱۳۹۰: ۴)

تحقق اهداف توسعه هزاره مستلزم این است که کشورها در حوزه‌های اصلی از قبیل شیوه حکمرانی، بهداشت، آموزش، زیرساخت‌ها و دسترسی به بازارهای جهانی و حفاظت از محیط‌زیست مبتنی بر شاخص‌ها و هنجارهایی که سازمان ملل مطرح می‌نماید تلاش‌های خود را متمرکز سازند و سعی نمایند در مسیری که این سازمان مشخص می‌سازد به حداقل‌هایی دست یابند و در صورت عدم توانایی در تحقق حداقل‌های تعیین شده در سند توسعه هزاره، مبتنی بر شاخص‌های مذکور، در رده‌بندی‌های جهانی، کشوری فقیر و برهم‌زننده نظم جهانی محسوب خواهند شد. در این راستا کشورهای دیگر موظف خواهند بود در یک توافق نانوشته برای تحقق آرمان جهانی با آن کشورها به تقابل پرداخته و این کشورها را وادار به دنبال نمودن آرمان‌های هشت‌گانه ریشه - کنی فقر مطلق و گرسنگی، دستیابی همگانی به تحصیلات ابتدایی، ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، کاهش مرگ‌ومیر کودکان، بهبود سلامت مادران، مبارزه با ایدز، مالاریا و سایر بیماری‌ها، تضمین پایداری محیط‌زیست، ایجاد مشارکت جهانی برای توسعه نمایند.

با موفقیت تجربه سازمان ملل در تحدید حکمرانی کشورها و توسعه سیطره خود، این سازمان ترغیب شد سند موسع تری را تدوین نماید تا به کمک آن جایگاه نظام سلطه را در نفوذ کشورها عقلانی و موجه جلوه دهد؛ پس در این راستا برنامه جدیدی موسوم به ۲۰۳۰ از سوی سازمان ملل مطرح شد که در سپتامبر ۲۰۱۵ در مجمع عمومی آن سازمان با حضور روسای جمهور کشورهای عضو از جمله جمهوری اسلامی ایران به صورت، «بدون رأی و نظر مخالف»^۱ به تصویب رسید و رهبران کشورهای عضو سازمان ملل متحد، در این اجلاس متعهد شدند تا اهداف دستور کار جهانی توسعه پایدار ۲۰۳۰ را در سیاست‌گذاری کلان ملی خود از اول ژانویه ۲۰۱۶ اجرایی کنند. مهم‌ترین هدف از اهداف این دستور کار اجرایی، هدف چهارم با عنوان «به‌سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر با کیفیت، برابر و فراگیر» بود (یونسکو، همان: ۳). این هدف به طور مستقیم با اهداف ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۲، ۱۳ ارتباط داشته و به طور غیر مستقیم سایر اهداف را دربرمی‌گرفت. بنابراین در نشست‌هایی که در خردادماه سال ۲۰۱۵ با حضور دبیران کل کمیسیون‌های ملی بیش از

1 without voting

یکصد و سی کشور و معاونان ذی ربط سازمان یونسکو در شهر شانگهای کشور چین برگزار شد، هدف چهارم به اتفاق آراء به عنوان اصلی ترین دستور کار جهانی ۲۰۳۰ در نظر گرفته شد و تصمیم بر آن شد با توجه به موفقیت سازمان یونسکو در امر آموزش این سازمان اجرای هدف چهارم توسعه پایدار ۲۰۳۰ را با ایفای سه نقش هدایت و هماهنگی، نظارت و گزارش دهی، و ارتقای ظرفیت کارشناسی دولتها برعهده گیرد.

راهبردهای اصلی چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰ عبارت اند از:

- تقویت سیاست ها، طرح ها، نظام ها و قانون گذاری،
- تمرکز بر کیفیت و اثربخشی،
- ترویج یادگیری مادام العمر بر اساس رویکرد فرابخشی
- جلب مشارکت همه عاملان و ذی نفعان آموزش. (یونسکو، همان: ۵)

لازم به ذکر است پس از اجلاس عمومی سازمان ملل و پیش از نقش آفرینی سازمان یونسکو در تدوین سند آموزش ۲۰۳۰، اجلاسی با حضور وزرای ۱۳۰ کشور از جمله ایران در اینچئون کره ی جنوبی برگزار شد که در آن اجلاس سند طراحی شده مسقط در سال ۲۰۱۴ که با عنوان برنامه ی آموزشی تهیه شده بود به تصویب و امضا رسید و وزیر وقت آموزش و پرورش با طرح حق تحفظ جمهوری اسلامی ایران بر این سند به امضای سند ۲۰۳۰ اقدام نمود.

با توجه به آنچه درباره استقرار رژیم های بین الملل گفته شد فرآیند تشکیل رژیم های بین الملل شامل سه مرحله است: تشکیل دستور کار، انتخاب نهادی و عملیاتی سازی و براین اساس می توان مهم ترین کنفرانس ها و اجلاس های مهیاکننده سند ۲۰۳۰ مطابق با یک رژیم بین الملل را در جدول ذیل نشان داد:

جدول ۴. فرآیند شکل گیری سند ۲۰۳۰ مطابق تشکیل رژیم های بین الملل

تاریخ	نام	موضوع
سپتامبر ۲۰۰۰	سند توسعه هزاره	برگزاری کنفرانس سران زمین در سال ۱۹۹۲ تشکیل کمیسیون توسعه پایدار (CSD) در سال ۱۹۹۵ (کمیسیونی برای شناسایی و تدوین شاخصها با همکاری سازمان های وابسته به سازمان ملل متحد، سازمانهای دولتی و غیردولتی و نخبگان کشور) این سند در سال ۱۹۹۰ در جامتین کلید خورد، و در سال ۲۰۰۰ در داکار مورد تأکید مجدد قرار گرفت.
۲۰۱۰ میلادی	دکترین امنیت ملی آمریکا	پنتاگون برای بسط و توسعه فرهنگ آمریکایی در سراسر جهان دکترین امنیت ملی آمریکا خود را طراحی و به اوپاما ارائه نمود. در سال ۲۰۱۱ میلادی، اوپاما این سند را تأیید و مناسب برای اجرا در سراسر جهان دانست و در سال ۲۰۱۵، میشل اوپاما همسر باراک اوپاما رئیس جمهور وقت آمریکا با حضور در کنفرانس نوآوری در آموزش که در دوحه قطر برگزار می شد، مبتنی بر سند دکترین امنیت ملی آمریکا از این سند بعنوان «سندی جهانی» رونمایی کرد.
ژوئن ۲۰۱۲	اجلاس زمین	در ریودوژانیروی برزیل در اجلاس ریو به علاوه ۲۰ (+Rio ۲۰) کشورها گردهم آمدند تا دستاوردهای بیست ساله اجلاس زمین سال ۱۹۹۲ را بررسی و ارزیابی نمایند. در این اجلاس به طور خلاصه اهدافی که در اجلاس ریودوژانیرو در سال ۲۰۱۲ مطرح شد شامل محورهای ذیل می باشد: تجدید تعهد سیاسی به توسعه پایدار، ارزیابی پیشرفت و از بین بردن شکاف بین آنچه که تعهد شده و باید به مرحله اجرا درآید و پرداختن به چالش های نوظهور. یکی از دستاوردهای اصلی کنفرانس ریو ۲۰+ در ژوئن ۲۰۱۲، در دستور کار توسعه پس از ۲۰۱۵ و اهداف توسعه پایدار (SDGs) بوده است. کشورهای عضو متعهد شدند در فاصله ریو ۲۰+ در ژوئن ۲۰۱۲ به ایجاد یک فرایند بین‌الدولی فراگیر، شفاف و باز از تمام ذینفعان در خصوص اهداف توسعه پایدار، با رویکرد گسترش و بسط اهداف جهانی توسعه پایدار، توافق شده توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد اقدام نمایند. در این اجلاس گروه ۷۷ و چین تأکید کردند که در اهداف انتخابی باید سه رکن توسعه پایدار به صورت متوازن دیده شوند، در حالی که اهداف پیشنهادی اتحادیه اروپا تنها رکن محیط زیست را پوشش می داد.

تاریخ	نام	موضوع
می ۲۰۱۴	نشست جهانی آموزش برای همه	در مسقط عمان نقطه عطف سند آموزش سند ۲۰۳۰
سپتامبر ۲۰۱۵	توسعه پایدار ۲۰۳۰	مجمع عمومی سازمان ملل با حضور روسای جمهور کشورهای عضو از جمله جمهوری اسلامی ایران به صورت «بدون رأی و نظر مخالف» سند توسعه پایدار را تصویب نمودند.
دوره ۲۰۱۴ - ۲۰۱۵	کنفرانس های منطقه ای در مورد آموزش	کنفرانس منطقه ای وزرا که در سال های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ توسط یونسکو برگزار شد و نیز نشست 9-E که در سال ۲۰۱۴ در اسلام آباد برگزار گردید، (برنامه 9-E، مجمعی است که در سال ۱۹۹۳ برای تسریع پیشرفت به سوی تحقق اهداف آموزش برای همه تأسیس شد. این مجمع، متشکل از نه کشور بسیار پر جمعیت جنوب جهان؛ یعنی بنگلادش، برزیل، چین، مصر، هند، اندونزی، مکزیک، نیجریه و پاکستان است.) نتایج کنفرانس های منطقه ای وزرا در زمینه آموزش پسا ۲۰۱۵ و نشست 9-E، در قالب بیانیه های بانکوک (۲۰۱۴)، لیما (۲۰۱۴)، اسلام آباد (۲۰۱۴)، کیگالی (۲۰۱۵)، شرم الشیخ (۲۰۱۵) و پاریس (۲۰۱۵) منتشر شد.
می ۲۰۱۵	مجمع جهانی آموزش (بیانیه اینچئون)	پیش نویس سند آموزش توسط یونسکو با همکاری یونسف، بانک جهانی، صندوق جمعیت ملل متحد، برنامه توسعه ملل متحد، آژانس زنان ملل متحد و کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان بیش از تعداد ۱۶۰۰ شرکت کننده از ۱۶۰ کشور جهان، شامل: ۱۲۰ نفر از وزرا، رؤسا و اعضای هیاتهای اعزامی، رؤسای نهادهای مرتبط و مسئولان سازمانهای دولتی و چندملیتی، نمایندگان جامعه مدنی، نمایندگان معلمان، جوانان و همچنین بخش خصوصی، بیانیه آموزش ۲۰۳۰ اینچئون را که برای ۱۵ سال آتی دیدگاهی نواز آموزش ارائه می داد، تصویب کردند. در این اجلاس وزیر آموزش و پرورش طی بیانیه ای در عین تأیید سند، تحفظ خود را نسبت به هر بندی که مغایر ارزش های فرهنگی و اخلاقی، حاکمیت ملی، قوانین و اولویتهای ملی و نیز نظامهای اجتماعی و حقوقی "جمهوری اسلامی ایران باشد اعلام نمود. هدف اعلام شده برای این برنامه، بسیج تمام کشورها و ذینفعان در دستیابی به آموزش و یادگیری مادامعمر فراگیر، برابر و با کیفیت برای همه از طریق ارائه روش های اجرایی، هماهنگی، تأمین اعتبار و نظارت بر آموزش تا سال ۲۰۳۰ بود.

موضوع	نام	تاریخ
سازمان یونسکو به عنوان یک نهاد بین‌المللی موفق در امر آموزش، اجرای هدف چهارم توسعه پایدار ۲۰۳۰ با عنوان «به سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر با کیفیت، برابر و فراگیر برای همه» را با ایفای سه نقش هدایت و هماهنگی، نظارت و گزارش‌دهی، و ارتقای ظرفیت کارشناسی دولتها برعهده گرفت که اجرای این هدف مهم را پس از تصویب نهائی صد و هشتاد و چهار کشور عضو یونسکو چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰ در سی و هشتمین کنفرانس عمومی یونسکو، آغاز نمود. این چارچوب، با پذیرش تفاوت‌های ملی و فرهنگی میان کشورها، تفاوت ظرفیتها و سطوح پیشرفتگی و با احترام به اولویت‌ها و سیاست‌های ملی، راهبردهای مؤثری را برای بومی‌سازی طرح‌ها و برنامه‌ها به کشورها ارائه می‌دهد و با بسیج همه کشورها و شرکاء، برای تحقق اهداف توسعه پایدار در حوزه آموزش، تأکید می‌کند.	سی و هشتمین کنفرانس عمومی یونسکو (چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰ پاریس)	نوامبر ۲۰۱۵

منبع: نویسنده

لازم به ذکر است تاریخچه ذکر شده از سه دسته از عوامل نیروهای اجتماعی محرک تشکیل‌دهنده رژیم تنها به قدرت اشاره کرده و تبیین دو عامل دیگر یعنی دانش و منافع تفصیل بیشتر و پژوهش دیگری را می‌طلبد.

سند ۲۰۳۰ مهیاکننده رژیم بین‌الملل برای تحقق استیلای نظام سلطه بر عرصه‌های مختلف حاکمیتی کشورها

از جمله ویژگی‌های رژیم‌های بین‌الملل، وجودهای ذهنی رژیم‌ها برای شکل‌گیری نوعی انتظار و اعتقاد نسبت به یک رفتار قانونمند و یا اخلاقی، تأثیرگذاری به دو وجه شکلی و ماهوی برای تعیین کردن هنجارها و آیین‌های رفتاری و دارای قواعد خاص بقا و دگرگونی مستقل بوده که از آن تعبیر به نفوذ فکری و فرهنگی نیز می‌شود و در تعریف آن چنین اظهار می‌شود: «تلاش عامدانه یک بازیگر خارجی برای ایجاد طیفی از تغییر در رفتار تا فروپاشی یک جامعه از طریق تغییر ارزش‌هایی که برای آن کشور حیاتی و بنیادین محسوب می‌شود» (روحی، فیروزکوهی، کریم‌زاده، برزنونی، حمزه‌پور، صفری، ۲۰۷: ۱۴۰۱ و احمدیان، ۱۳۹۴: ۴۵)؛ سه ویژگی مذکور درباره رژیم‌های بین‌الملل به‌وضوح در سند توسعه پایدار قابل مشاهده است به‌طوری که می‌توان مشاهده کرد باتوجه به آرمان‌های ۱۸ گانه سند از کشورهایی که این سند را پذیرفته‌اند انتظار و اعتقادی نسبت به یک رفتار می‌رود؛ چنان‌که به واسطه آرمان (هدف) چهارم با عنوان «به‌سوی آموزش و

یادگیری مادام‌العمر با کیفیت، برابر و فراگیر» انتظار می‌رود کشورها اقدامات هفت‌گانه‌ای را انجام دهند و البته در بستر آن اقدامات برنامه‌های جزئی جهت اجرای توسط کشورها تدوین نمایند.

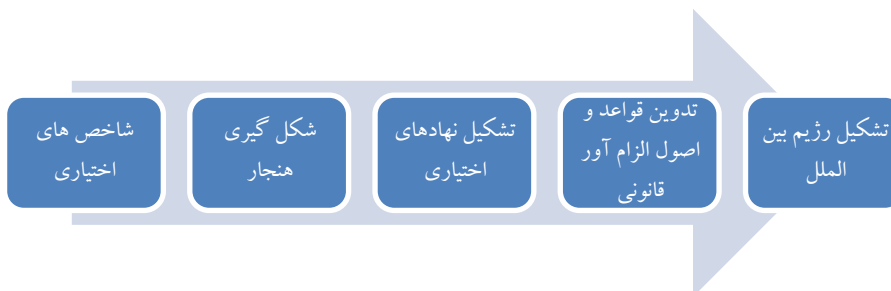
از میان چهار عرصه طیف‌های مختلف رژیم‌های بین‌الملل، رفتار جانب‌دارانه مهم‌ترین ویژگی رژیم‌های بین‌المللی می‌باشد و به‌طور قطع سند توسعه پایدار نیز دارای این مشخصه است البته این سند در ظاهر، خود را یک سند فاقد جهت معرفی می‌کند که به‌سادگی کشورهای مختلف با وجود فرهنگ‌های متنوع، قابلیت پذیرش آن را دارند؛ در حالی که در توصیف ویژگی مذکور باید بیان کرد، همه رژیم‌ها جانب‌دارانه هستند؛ آن‌ها سلسله‌مراتبی از ارزش‌ها را دارا می‌باشند که برای تحقق طرح‌های سلطه، تبعیت، وابستگی و بهره‌برداری، بسترسازی و بعضی مواقع قانون تدوین می‌کنند. در حقیقت رژیم‌ها به قدرت علاقه دارند. (عسگرخانی، همان: ۱۸۹) آن‌ها تلاش می‌کنند عقیده خویش را تسری دهند به‌طوری که تحلیلگران رژیم‌های بین‌الملل مانند یانگ اذعان دارند رژیم‌ها تحمیلی هستند و پاچلا و هاپ‌کین نیز اعتراف می‌کنند که رژیم‌ها تبعیض‌آمیز هستند و برخی از ارزش‌ها را بیش از سایر ارزش‌ها مورد توجه قرار می‌دهند و خواسته و یا ناخواسته از بازیگران بین‌الملل می‌خواهند از آن پیروی کنند و گاهی الگوهای بین‌الملل برتری، استیلا و استثمار را در دنیا نهادینه می‌سازند و در نهایت این قبیل رژیم‌های «تحمیلی» و «تبعیض‌آمیز» قادرند «برابری و مساوات» را تسری دهند آن‌چنان که همه بازیگران تصور می‌کنند در کمال مساوات اصول، اهداف و قواعد رژیم بین‌الملل را به اجرا گذاشته‌اند.

باتوجه به در نظر گرفتن سند توسعه پایدار به‌عنوان مهیاکننده رژیم بین‌الملل می‌توان از منظرهایی این سند را مورد بررسی قرارداد این منظرها عبارت‌اند از: نظام سلطه، توسعه، پروژه نفوذ، حکمرانی ملی و ... در این شرایط آنچه در تمامی این موضع‌گیری‌ها مشترک بوده و البته بستر تحقق رژیم‌های بین‌الملل را نیز شکل می‌دهد سازوکارهایی است که تلاش دارد حاکمیت جمهوری اسلامی و به‌طور کلی سایر کشورها را به محاق برده و در لایه‌های پنهان و آشکار، شاخص‌ها و هنجارهای خود را بر سایر کشورها تحمیل کرده و از این رهگذر موجب سلب تدریجی حاکمیت و استقلال ملی جمهوری اسلامی ایران در عرصه فرهنگ (حداقل در عرصه آموزش) شوند. (امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز بر این مسئله تأکید داشته و اظهار می‌کنند راهکار قدرت‌های استکباری برای سلب حاکمیت کشورها، القاء شاخص‌ها و هنجارها مبتنی بر جامعه جهانی است که به دنبال آن کشورهایایی که با این هنجارها همسو نباشند با جامعه جهانی متعارض شناخته شده و در حقیقت

به عنوان کشورهای یاغی و مخمل نظم جهانی معرفی می‌شوند. ایشان در این راستا به صراحت بیان می‌کنند: «قدرت‌های استکباری آرام نمی‌نشینند؛ آنها برای تحمیل خواسته‌های خودشان شیوه‌های مختلفی دارند؛ یک چیزهایی را به عنوان هنجارهای بین‌المللی تعریف می‌کنند. امروز مثلاً آمریکا یک چیزی را به عنوان هنجار بین‌المللی تعریف می‌کند؛ فرض کنید «منافع آمریکا در همه نقاط عالم باید رعایت بشود»؛ این شد یک هنجار بین‌المللی. اگر کسی در فلان نقطه دوردست عالم - که از آمریکا هزاران کیلومتر یا فرسنگ [ها] فاصله دارد - منافعتش با منافع آمریکا در تعارض بود و خواست منفعت خودش را تأمین بکند، می‌گویند برخلاف هنجار بین‌المللی عمل کرده. اول یک چیزی را به عنوان یک هنجار تعریف می‌کنند، [بعد] بر اساس آن، ملت‌ها و کشورها و دولت‌ها را به ناهنجاری متهم می‌کنند (امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۶ / ۰۳ / ۲۲).

مبتنی بر آنچه درباره رژیم‌های بین‌الملل بیان شد و ایده مرکزی رژیم‌الملل در تبیین و تثبیت توسعه در کشورها باید گفت «جهانی شدن در غیاب رژیم‌های بین‌المللی امکان‌پذیر نیست.» و می‌توان چنین پیشنهاد داد در مراحل تدریجی سازمان‌های بین‌المللی در گام نخست تلاش خواهند کرد با تبیین شاخص‌ها هنجارهایی را در نظام بین‌الملل تثبیت نمایند و سپس مبتنی بر آن هنجار، نهادسازی کرده و آن نهاد را فراسازمانی و فراملی معرفی کرده و همه کشورها را ملزم به رعایت اصول و قواعد تعریف شده آن نهاد تازه تأسیس نمایند چنان که اکنون یونسکو در حوزه آموزش و پرورش در مرحله نخست، مصوبات و نظارت خود را اختیاری نشان داده می‌کند؛ اما در بسیاری نرم‌افزارانه و آهسته مبتنی بر ایده‌ها سایر کشورها را در حوزه آموزش و تربیت تحت سیطره اصول و قواعد خود قرار می‌دهد.

شکل ۲. مراحل تدریجی شکل‌گیری رژیم بین‌الملل



منبع: نویسنده

مبتنی بر آنچه تاکنون درباره رژیم‌های بین‌الملل گفته شد می‌توان منظر کلان حکمرانی را استحصاء نمود و بر آن اساس به بررسی سند ۲۰۳۰ پرداخت و از چگونگی معارضه این سند با حاکمیت فرهنگی کشور یا تحدید ایجاد شده بر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران سخن گفت.

نقد سند توسعه ۲۰۳۰ بر اساس منظر حکمرانی و تحدید استقلال کشورها

سند ۲۰۳۰ در یک تلاش پنهان به دنبال آن است مبتنی بر الزام‌هایی که در سند خود گنجانده است و از طریق القاء مفاهیم گنگ و مبهم و تفسیر پسینی آن‌ها و دخالت در موضوعاتی که کشورها در آن موارد موضع‌گیری‌های مستقلى دارند و حتى در مواردی با اسناد بالادستی آن‌ها مغایرت دارد در حکمرانی کشورها دخالت کرده و با توسعه حاکمیت خود استقلال کشورها را به نفع نظام بین‌الملل تحدید نماید. در این راستا می‌توان این منظر کلان را (بنا به گزاره‌های به دست آمده از منابع مکتوب، مصاحبه‌ها و ...) در محورهای ذیل مورد بررسی قرار داد:

۱. تعارض با روند تصویب قانون در جمهوری اسلامی؛
۲. بی‌توجهی به هدف این سند مبنی بر تغییر الگوی آموزش کشورها بر اساس طراحی آمریکا؛
۳. بی‌توجهی به سابقه بیش از هزار سال حکمت، فلسفه، فقه و اخلاق و تجربیات در حوزه سبک زندگی و فرهنگ تعلیم و تربیت در تدوین سند ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران؛
۴. سکولار بودن و ترویج بی‌دینی، آموزش معلمان به شیوه غربی، اختلاط جنسی، حذف آیات جهاد و ممنوعیت ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و ...
۵. مبهم بودن نحوه آموزش و روح حاکم بر آن در سند توسعه پایدار و سند ۲۰۳۰ آموزش؛
۶. کنار گذاشتن سند تحول و جایگزین کردن سند ۲۰۳۰ به جای آن؛
۷. عدم نظرسنجی و یاری معلمان و فعالان فرهنگی و پنهانی بودن روند امضای سند؛
۸. دخالت و تأثیرگذاری بر جذب و تربیت معلمان؛

۹. موظف به در اختیار قراردادن مهم‌ترین آمارهای فرهنگی کشور به سازمان‌های بین‌المللی؛

۱۰. محدود شدن مسئولیت کشورها در برنامه آموزش ۲۰۳۰ در حیطه هدف گذاری خرد و تدوین راهبردهای اجرایی؛ (این برنامه در سطح جهانی تدوین و تصویب شده، در سطح منطقه ای مورد تقسیم کار قرار گرفته، در سطح ملی تدوین و اجرا می شود و در سطح جهانی منطقه ای ملی مورد نظارت و ارزیابی قرار می گیرد.)

جدول ۵. سطوح اجرایی برنامه آموزش ۲۰۳۰

سطوح اجرایی برنامه آموزش ۲۰۳۰					
تدوین راهبردهای اجرایی	تدوین راهبردهای خرد	تدوین راهبردهای کلان	هدف گذاری خرد	هدف گذاری کلان	تدوین برنامه جهانی
ملی	منطقه‌ای	جهانی	منطقه‌ای / ملی	جهانی	جهانی

منبع: نویسنده

۱۱. پذیرش سند ۲۰۳۰ به مثابه بی‌کفایتی ایران در حوزه آموزش و تربیت؛
۱۲. پذیرش سند ۲۰۳۰ به مثابه تصرف جایگاه‌های تصمیم‌ساز نظام اسلامی در حوزه آموزش و تربیت توسط نظام سلطه؛
۱۳. پذیرش سند ۲۰۳۰ به مثابه کنار گذاشتن عناصر هویت‌بخش ایران اسلامی؛
۱۴. امضای سند آموزش ۲۰۳۰ یعنی قبول شاخص‌های قطعی شده جریان سلطه؛
۱۵. ادعای گزاف مدافعان سند آموزش ۲۰۳۰ در حوزه تداوم زندگی مشترک و خانواده پایدار و نقد آن؛
۱۶. تسری سند ۲۰۳۰ در حوزه اقتصاد آموزش و پرورش و نیز ابهام شمول در عرصه‌های مختلف اجتماعی از قبیل، کشاورزی، آب، حقوقی، سلامت، آموزش و...؛
۱۷. تعارض سند ۲۰۳۰ با عمل کشورهای غربی خصوصا در موضوع دفاع و امنیت؛

۱۸. بی توجهی به زمینه متن سند و تعارضات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با سمت و سوهای سند؛
۱۹. نادیده گرفتن شرایط ظالمانه و نابرابر نظام موجود بین الملل؛
۲۰. انحصار در قدرت بازدارندگی نظام سلطه نسبت به ملل ضعیف و عدم امکان قدرت بازدارندگی منشورات سازمان ملل؛
۲۱. تکلیفی بودن سند ۲۰۳۰ و رد توصیه‌ای بودن سند و در اختیار نداشتن حق تفسیر سند ۲۰۳۰ توسط جمهوری اسلامی ایران؛
۲۲. پذیرش اهرم فشار اقتصادی نظام سلطه برای عرصه‌های مختلف فرهنگی؛
۲۳. عملکرد سیاسی اسناد توسعه خصوصاً منحصر بودن نقشه راه ۱۵ ساله برای کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه؛
۲۴. به کارگیری واژه‌هایی با جهت‌گیری‌های خاص و ابهام در واژه‌های کلیدی؛ (به کارگیری عبارات «عدم خشونت»، «صلح»، «شهروند جهانی» و «توسعه» و جهت‌گیری متعارض اسناد پشتیبان مرتبط با این عبارات نسبت به مواضع جمهوری اسلامی ایران)

و در نهایت می‌توان گفت: سند توسعه پایدار برای نفوذ فرهنگی در کشورها مدخل تحقق فضای پارادایمی جدیدی را اختیار کرده است؛ به طوری که طراحی سندی همه‌جانبه و در ظاهر موردپسند به گونه‌ای است که جامعه خصوصاً بین الملل را برای مداخلات گسترده محق می‌سازد. اقدامی که مطابق تعریف جنگ نرم باعث دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری یک نظام سیاسی متعارض می‌گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سند توسعه پایدار آن‌چنان که در اسناد پشتیبان و مذاکرات اجلاس‌های مقدماتی نشان می‌دهد به دنبال آن است که در راستای تسریع فرآیند جهانی‌سازی و به کمک اهرم رژیم‌های بین‌الملل، با بهره‌گیری از سه محرک قدرت، دانش و منافع و با فعال کردن بازیگرانی در چارچوب‌بندی موضوعات فرهنگی مدنظر خویش، گنجانیدن این موضوعات در دستور کار بین‌المللی، سوق‌دادن

افکار عمومی به سمت این موضوعات و سپس ترغیب دولت‌ها به این موضوعات، اصول، قواعد، هنجارها و رویه‌های تصمیم‌گیری خاصی را در دستور کار سازمان‌های بین‌الملل قرار دهد. لازم به ذکر است سند توسعه پایدار حاصل اجماع رهیافت جهانی‌سازی و رهیافت فرهنگ‌گرایی است که در چارچوب یک رژیم بین‌الملل در تلاش است در ظاهر خود را سندی فاقد جهت و ارزش معرفی کند؛ اما از آنجا که این سند در کالبد رژیم بین‌الملل از طریق وجود ذهنی به شکل-گیری نوعی انتظار و اعتقاد نسبت به یک رفتار قانونمند عمل می‌کند پس به دو وجه شکلی و ماهوی در تعیین کردن هنجارها و آیین‌های رفتاری تأثیرگذار بوده فلذا حاکمیت کشورها را به خطر می‌اندازد. خصوصاً این مخاطره برای کشورهایی که آرمان‌های مشترک و هم‌زبانی با نظام استکبار ندارند خطری بسیار جدی محسوب می‌شود. بدین خاطر می‌توان نتیجه گرفت سند توسعه پایدار سندی برای تحدید حکومت‌های ملی پیرامونی و نیمه پیرامونی است که بر خلاف ظاهری اختیاری، کاملاً اجباری کشورها را به سمت اهداف خویش سوق داده و البته این حرکت را بر اساس تثبیت رژیم‌های بین‌الملل مطابق روند ذیل انجام می‌دهد:

۱. شاخص‌های اختیاری
۲. شکل‌گیری هنجار
۳. تشکیل نهادهای اختیاری
۴. تدوین قواعد و اصول الزام‌آور قانونی
۵. تشکیل رژیم بین‌الملل

سند توسعه پایدار برای نفوذ فرهنگی در کشورها مدخل تحقق فضای پارادایمی جدیدی را اختیار کرده است؛ در این راستا نظام سلطه در سند آموزش ۲۰۳۰ تلاش دارد به چهار شیوه: الف- آموزش مستقیم، ب- آموزش‌های غیر مستقیم، ج- تأثیر بر سازمانها و نهادهای داخلی و بومی و د- جریان‌سازی‌های اجتماعی سلطه و نفوذ خویش را در کشورهای هدف کاملاً صلح‌طلبانه و مبتنی بر اصول عقلانی و موجه از سوی نخبگان جامعه هدف، ممکن سازد. پس ملاحظه می‌شود مهم‌ترین هدف از ۱۷ هدف سند ۲۰۳۰ تمامی مسیر نفوذ و تحدید حکمرانی را طی کرده و در تدوین هدف، تهیه راهکارها، ایجاد بسترهای لازم جهت اقدامات ضروری و مهیا کردن عرصه‌های سیاسی و فرهنگی امکان سلب حاکمیت کشورها را فراهم نموده است.

در این راستا پیشنهاد می شود جمهوری اسلامی ایران در پذیرش اسناد بین الملل با احتیاط بیشتری عمل کرده و حتی در این مسیر پیش دستانه به اقداماتی دست زند تا با کم کاری در حوزه تدوین شاخص ها و شکل گیری ها هنجارها دچار انزوا در حوزه بین الملل نشود

فهرست منابع

- Ahmadian, Ali-Akbar, (2014), Influence Theory; Explaining the nature of the types of influence and their relationship with the four-spectrum of threats (using the views and statements of Imam Khamenei (Hefzah...), Afaq Security magazine, 8th year, 28th issue,
- Asgarkhani, Abu Mohammad (1381), Theory of International Regimes, Journal of Faculty of Law and Political Science, No. 57.
- Cox, Robert W. (1983) 'Gramsci, Hegemony, and International Relations: An Essay in Method', Millennium 12(2): 162-75 .
- Donald J. Puchala and Raymond F. Hopkin's (1982) "International Regimes : Lesson form Inductive Analysis",
- Iman, Mohammad Taqi, Noshadi, Mahmoudreza (2018), "Qualitative content analysis", research, third year, second issue
- Jafari, Ali (2008), The Evolution of Development Communication Theories: Emphasis on the Paradigm of Cultural Diversity, Media Quarterly, Vol. 80.
- Jalalian, Asgar, Alizadeh, Hassan, (1400), international security regimes from the perspective of institutionalism in the approach of "international law and international relations", Afaq Security magazine, 14th year, 50th issue
- Keyvan Hosseini, Seyed Asghar (1378), Theory of International Security Regimes, Journal of Political-Economic Information, Vol. 145-146.
- Kondracki, Nancy L; & Wellman, Nancy S. (2002). "Content analysis: Review of methods and their applications in nutrition education". Journal of Nutrition Education and Behavior, Volume 34, Issue 4, pp. 224-230.
- Nowzari, Hossein Ali (2008). Criticism and reflection on the process of modernization paradigm and development studies, dependency theory and the phenomenon of globalization, Political Science Quarterly, Vol. 8.
- Putnam, Robert D. (1988) 'Diplomacy and Domestic Politics: The Logic of TwoLevel Games', International Organization 42(3): 427-60.
- Rouhi, Mehdi, Firouzkohi, Mehdi, Karimzadeh, Ali, Barznouni, Mohammad Ali, Hamzpour, Ali, Safari, Ibrahim, (1401) What is the intellectual-cultural influence, Afaq Security magazine, year 15, number 54,
- Sa'i, Ahmed (2008), Criticism and Evaluation of World System Theory: Proponents and Opponents, Political Studies Quarterly, Vol. II, No. 5.
- Stein, Arthur A. (1983) 'Coordination and Collaboration: Regimes in an Anarchic World', in Stephen D. Krasner (ed.) International Regimes, pp. 115-40. Ithaca, NY and London: Cornell University Press.
- Strange, Susan (1983) 'Cave! Hie Dragoness: A Critique of Regime Analysis', in Stephen D. Krasner (ed.) International Regimes, pp. 337-54. Ithaca, NY and London: Cornell University Press.
- Young, Oran R. (1983) 'Regime Dynamics: The Rise and Fall of International Regimes', in Stephen D. Krasner (ed.) International Regimes; pp. 93-113. Ithaca, NY: Cornell University Press.

Books

- , **Millennium development goals and objectives** (2004), translated by Seyed Mehdi Araei and colleagues, Iran's Management and Planning Organization.
- , **UNESCO moving forward the 2030 Agenda for Sustainable Development**, Published in 2017 by the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 2017, p. 3.

- Asgarkhani, Abu Mohammad (1383), **International Regimes**, Tehran: Abrar Contemporary International Studies and Research Cultural Institute.
- Evans, Peter B., Harold K. Jacobson and Robert D. Putnam (eds) (1993) **Doubledged Diplomacy: International Bm;gaining and Domestic Politics**. Berkeley: University of California Press.
- Haas, Peter M . (1990) **Saving the Mediterranean: The Politics of International Environmental Cooperation**. New York: Columbia University Press.
- Haywood, Andrew (2013), **Politics**, translated by Abdur Rahman Alam, Tehran: Ney Publishing.
- Jacobson, Harold K. and Edith Brown Weiss (1990) '**Implementing and Complying with International Environmental Accords: A Framework for Research**', paper prepared for the annual meeting of the American Political Science Association, San Francisco.
- Krippendorf, Kloss (1378), **Content Analysis: Fundamentals of Methodology**, translation, Hoshang Naibi, translator, Tehran: Ni.
- Manzavi, Mahshid (2018), **Sustainable Development Document**, Tehran: Amar Research Institute.
- Marc A. Levy , Oran R. Young , Michael Zurn , 1996 , **THE STUDY OF INTERNATIONAL REGIMES**, Volume 1, , European Journal of International Relations, Number 3, September 1995.
- Naraghi, Youssef (2010) **Sociology and Development**, Tehran: Farzan Rooz.
- Sa'i, Ahmed (1378), **Political and Economic Issues of the Third World**, Tehran: Samit Publications.
- Sarukhani, Baqir (1375), **an introduction to the encyclopedia of social sciences**, Tehran: Kayhan Publications, 1375, vol. 2.
- Seif-zadeh, Seyed Hossein (2016), **Theorizing in International Relations: Fundamentals and Intellectual Formats**, Tehran, Somit Publications.
- Stein, Janice Gross (ed.) (1989) **Getting to the Table: The Processes of International Prenegotiation**. Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press.
- Young, Oran R. (1989a) **International Cooperation. Building Regimes for Natural Resources and the Environment**. Ithaca, NY and London: Cornell University Press.
- Zurn, Michael (1987) **Gerechte internationale Regime**. Bedingungen und Restriktionen der Entstehung nicht-hegemonialer internationaler Regime untersucht am Beispiel der Weltkommunikationsordnung. Frankfurt: Haag und Herchen.
- Zurn, Michael (1992) **Interessen und Institutionen in der internationalen Politik. Spieltheorie**, Funktionalismus und internationale Politik. Eine Grundlegung des situationsstrukturellen Ansatzes. Opladen: Leske und Budrich.

Websites

– اهداف توسعه هزاره پس از ۲۰۱۵، پایگاه اطلاعاتی سفارت جمهوری اسلامی ایران در نایروبی قابل دسترسی در:

– <http://nairobi.mfa.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=127&pageid=28762>.

